

## فهرست

فصل اول - بخش اول / گزیده‌ای از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۹
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۰
فصل اول - بخش دوم / نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم»	۲۱
فصل اول - بخش سوم / دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن	۲۶
فصل اول - بخش چهارم / نظریات کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی دعاوی مالی و غیر مالی «هزینه دادرسی»	۳۹
فصل دوم - بخش اول / (دفتر اول) ثبت اسناد و املاک	۵۸
نمونه برگ استعلام دادگاه از اداره ثبت اسناد	۶۸
نمونه خلاصه وضعیت پرونده ثبتی (گردش ثبتی) / پاسخ اداره ثبت اسناد به مراجع قضایی (نمونه اول)	۶۹
نمونه خلاصه وضعیت پرونده ثبتی (گردش ثبتی) / پاسخ اداره ثبت اسناد به دادگاه (نمونه دوم)	۷۰
نمونه پاسخ اداره ثبت اسناد / به استعلام دادرسی	۷۱
نمونه فرم کنترل معاملات غیر منقول (چک لیست)	۷۲
فرم انتقال ملک	۷۲
فرم کنترل معاملات منقول (چک لیست)	۷۳
فرم انتقال ملک	۷۳
نمونه استشهادیه در موارد مفقود شدن سند مالکیت	۷۴
موارد صلاحیت واحد اجراء ثبت	۷۵
فصل دوم - بخش دوم / «عملیات ثبتی» ترتیب عملی و نحوه صدور سند مالکیت موضوع ماده ۱۴۷ اصلاحی قانون ثبت	۷۹

- ۸۳ نمونه صورتجلسه احراز تصرف و مالکیت / نظریه کارشناسی / هیأت حل اختلاف
- ۸۵ نمونه رأی هیئت حل اختلاف اداره ثبت / صدور سند مالکیت
- ۸۷ پایان مراحل / پیش نویس سند مالکیت
- ۸۹ نمونه رأی دادگاه / ابطال سند مالکیت (۱۴۷)
- ۹۰ نمونه رأی دادگاه / اصلاح سند مالکیت
- فصل دوم - بخش سوم / «قانون اصلاح قانون ثبت» قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۶۵/۴/۳۱ و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۰/۶/۲۱**
- ۹۲
- ۱۰۱ نمونه تصمیم واحد ثبتی در مورد افراز یا عدم افراز آپارتمان (۱)
- ۱۰۲ نمونه برگ ابلاغ تصمیم واحد ثبتی
- فصل دوم - بخش چهارم / «دعوی ثبتی»**
- ۱۰۳
- ۱۰۴ نمونه ابطال رأی هیئت حل اختلاف ماده (۱۴۷) اصلاحی قانون ثبت
- نمونه «رأی دادگاه» تجدیدنظر استان / نقض و صدور قرار رد دعوی ابطال رأی هیئت حل اختلاف ماده (۱۴۷) و ابطال سند مالکیت / تأیید دادنامه معترض علیه در قسمت خلع ید
- ۱۰۹
- فصل دوم - بخش پنجم / الف / نظریات مشورتی «ثبت و اراضی»**
- ۱۱۱
- ۱۳۷ معنی و مفهوم سند عادی و سند رسمی در قانون
- فصل دوم - بخش پنجم / ب / انواع وکالتنامه رسمی**
- ۱۴۵
- ۱۴۶ نمونه برگ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور (طرح کاداستر کشور)
- ۱۴۷ نمونه برگ خلاصه معاملات غیرمنقول ثبت شده
- ۱۴۸ نمونه رضایت نامه محضری
- ۱۴۹ نمونه رضایت نامه بیمارستانی
- ۱۴۹ فرم پذیرش بستری
- ۱۵۰ نمونه رضایت نامه
- ۱۵۱ نمونه رأی دادگاه در خصوص درخواست ابطال رضایتنامه رسمی
- نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر محکومیت زوج به پرداخت مهر مردود اعلام نمودن دلیل پرداخت مهر
- ۱۵۳ بلحاظ اثبات اکره و فقدان قصد زوجه
- ۱۵۵ نمونه تعهدنامه / برگ معاملات یک برگی
- ۱۵۶ نمونه / وکالت کاری
- ۱۵۷ نمونه برگ معاملات نیم برگی نوع سند / قطعی غیرمنقول
- ۱۵۸ نمونه برگ معاملات نیم برگی نوع سند / وکالتنامه
- ۱۶۱ نمونه برگ اخطاریه دفترخانه به وکیل معزول / و فسخ وکالتنامه (شماره یک)

۱۶۲	نمونه گواهی عزل وکیل (شماره دو).....
۱۶۳	نمونه برگ معاملات یک برگی نوع سند / انتقال اجرائی .....
۱۶۵	نمونه وکالت بلاعزل یا حق انتقال به خود .....
۱۶۸	نمونه رونوشت سند .....
۱۶۹	نمونه وکالت بلاعزل .....
۱۷۲	نمونه برگ معاملات یک برگی / قطعی غیرمنقول / اعیان غیرمنقول .....
۱۷۵	نمونه برگ معاملات یک برگی / قطعی غیرمنقول .....
۱۷۶	نمونه سند اجاره / قبل از انقلاب .....
	برگ معاملات یک برگی / نوع سند / اجاره نامه (سرقفلی - حق کسب و پیشه و تجارت) (بعد از انقلاب)
۱۷۸	.....
۱۸۱	نمونه اخطاریه دفترخانه به وراث مستأجر .....
۱۸۲	نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر تخلیه عین مستأجره .....
۱۸۳	نمونه استعلام دفترخانه از اداره منابع طبیعی .....
۱۸۶	نمونه پاسخ منابع طبیعی .....
۱۸۷	نمونه برگ معاملات یک برگی / نوع سند / قطعی غیر منقول اجرائی .....
۱۹۰	نمونه برگ معاملات نیم برگی / نوع سند: / صلح حقوق (معادل ۵۰٪ سهم الشرکه) .....
۱۹۱	نمونه برگ معاملات نیم برگی / نوع سند: / وکالت در امر طلاق و .....
۱۹۳	نمونه برگ معاملات یک برگی / وکالت کاری (شماره یک) .....
۱۹۶	نمونه برگ معاملات یک برگی / وکالت کاری شماره ۲ .....
۱۹۸	نمونه برگ معاملات یک برگی / وکالت کاری (شماره ۳) (اوقاف) .....
۲۰۰	نمونه وکالتنامه عمومی تنظیمی در دفتر حفاظت منافع ایران در آمریکا .....
۲۰۳	فصل دوم - بخش ششم / استعلامات ثبتی .....
۲۰۴	نمونه استعلام شماره یک .....
۲۰۵	نمونه استعلام شماره ۲ (گردش ثبتی) .....
۲۰۶	نمونه استعلام شماره ۳ .....
۲۰۷	نمونه استعلام شماره ۴ / پاسخ .....
۲۰۸	نمونه استعلام شماره پنج / رفع توقیف .....
۲۰۹	نمونه استعلام شماره شش .....
۲۱۰	نمونه استعلام شماره هفت .....
۲۱۱	نمونه استعلام شماره هشت .....
۲۱۲	اوقاف .....
۲۱۴	نمونه پاسخ به درخواست بازداشت حق سرقفلی .....
۲۱۴	نمونه پاسخ استعلام شماره نه .....
۲۱۷	نمونه صورت مجلس تفکیکی .....

فصل دوم - بخش هفتم / آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور / نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری «دفاتر اسناد رسمی»	۲۲۲
قانون تفسیر ماده (۴۲) قانون دفاتر رسمی و کانون سردفتران و دفتریاران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵	۲۲۳
از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸	۲۳۶
فصل دوم - بخش هشتم / دادسرا و دادگاه انتظامی سردفتران و دفتریاران	۲۴۵
دادسرا و دادگاه‌های انتظامی سردفتران و دفتریاران	۲۴۶
فصل سوم / نمونه رأی محاکم عمومی / حقوقی / تهران «تبدیل تعهد»	۲۵۸
نمونه ابطال اجرائیه اجرای ثبت اسناد / مطالبه خسارت / (تبدیل تعهد)	۲۵۹
فصل چهارم / ابطال میایعه نامه، ابطال سند، الزام به تنظیم سند	۲۶۴
نمونه دادخواست اشتباه اول / ابطال وکالتنامه / ابطال سند	۲۶۵
نمونه نتیجه دعوی اشتباه اول / ابطال وکالتنامه و بطلان سند رسمی انتقال	۲۶۶
فصل پنجم / ابطال سند مؤخرالصدور	۲۷۷
نمونه دادخواست ابطال سند مؤخرالصدور	۲۷۸
نمونه رأی دادگاه / ابطال سند مؤخرالصدور (ماده ۱۴۷ اصلاحی قانون ثبت)	۲۷۹
نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی	۲۸۰
نمونه دعوی ابطال ثبت سند مالکیت	۲۸۳
نمونه دعوی اعتراض به ثبت	۲۸۴
نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان	۲۸۶
نمونه نقض دادنامه تجدیدنظر خواسته	۲۸۶
نمونه رأی دادگاه / الزام به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت	۲۸۸
فصل ششم / مطالبه غرامات و خسارات بلحاظ مستحق لغیر درآمدن مبیع «مطالبه غرامات و خسارات به استناد شرط ضمن عقد بیع (خسارت وجه التزام)	۲۹۰
نمونه «رأی دادگاه» بدوی / صدور حکم طلاق از نوع خُلَع / زوجه تبعه ایران، ملیت آلمان «فاقد سند نکاحنامه مرسوم ایرانی»	۲۹۶
نمونه لایحه دفاعیه وکلای زوج / مرحله تجدیدنظر خواهی	۲۹۷
نمونه «رأی دادگاه» تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی	۳۰۰
نمونه لایحه دفاعیه محکوم علیه (زوج) / مرحله فرجامی	۳۰۱
نمونه رأی دیوان عالی کشور / نقض دادنامه و ارجاع پرونده به «دادگاه هم عرض»	۳۰۳
فصل هفتم / دفاتر ازدواج و طلاق	۳۰۸

۳۰۹	دفاتر ازدواج و طلاق
۳۱۷	ازدواج با اتباع خارجی
۳۲۰	طلاق و رجوع
۳۲۳	نمونه نامه دفترخانه طلاق و استعلام از دادگاه
۳۲۴	فصل هشتم / نظریات مشورتی «ثبت در ازدواج»
۳۲۸	فصل نهم / ثبت در دفاتر ثبتی
۳۲۹	ثبت در دفاتر ثبتی
۳۴۴	فصل دهم / فصل دهم - بخش اول / قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷
۳۴۸	فصل دهم - بخش دوم / الف / آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۷۷/۸/۱۰ مصوب ۱۳۷۸/۲/۲۶
۳۵۴	فصل دهم - بخش دوم / ب / درخواست‌های حقوقی و اجرای احکام
۳۶۴	فصل دهم - بخش سوم / نحوه اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی
۳۶۵	نمونه تصمیم دادگاه / اعمال ماده ۲
۳۶۶	نمونه برگ جلب در امور حقوقی
۳۶۷	نمونه نامه معرفی محکوم علیه مجلوب به زندان
۳۶۸	فصل دهم - بخش چهارم / اجرای احکام مدنی «نیم عشر دولتی»
۳۷۱	فصل دهم - بخش پنجم / اجرای احکام مدنی انواع آگهی مزایده فروش اموال منقول / غیرمنقول
۳۷۲	برگرفته از قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶
۳۸۵	آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول): ۴۲/۷۱ سهم از صد سهم شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان "آگهی مزایده اموال غیرمنقول"
۳۸۸	نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) نوبت اول دستور ضبط وثیقه / یک باب ساختمان مسکونی / (دارای سند مالکیت)
۳۸۹	نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) نوبت دوم یک باب مغازه (قولنامه‌ای) فاقد سابقه ثبتی
۳۹۰	نمونه آگهی مزایده فروش در اموال غیرمنقول یک قطعه باغ انگور و زمین گندم
	نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) دستور ضبط وثیقه یک باب ساختمان دارای سند

- مالکیت ..... ۳۹۲
- نمونه آگهی مزایده فروش (اموال منقول) ..... ۳۹۳
- نمونه آگهی مزایده فروش اموال منقول ..... ۳۹۴
- نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول فاقد سابقه ثبتی (مرحله اول) ..... ۳۹۵
- نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول (مرحله اول) ..... ۳۹۶
- نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول (مرحله دوم) ..... ۳۹۷
- نمونه آگهی مزایده فروش اموال غیرمنقول (مرحله اول) ..... ۳۹۸
- فصل یازدهم / بیمه شخص ثالث ..... ۴۰۰
- نمونه رسید پرداخت دیه توسط بیمه شخص ثالث رسید ..... ۴۰۱
- نمونه حواله پرداخت دیه توسط بیمه شخص ثالث ..... ۴۰۲
- فصل دوازدهم / نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه «اجرای احکام مدنی» ..... ۴۰۳
- فصل سیزدهم / حرف (ت) برگرفته از فرهنگ فارسی عمید ..... ۴۱۶

## فصل اول - بخش اول

گزیده‌ای از اصول  
قانون اساسی  
جمهوری اسلامی ایران

چو ایران نباشد تن من مباد

بگوئید این جمله در گوش باد

## قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران

### اصل اول

حکومت ايران جمهوري اسلامي است که ملت ايران، بر اساس اعتقاد ديرينه اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پي انقلاب اسلامي پيروزمند خود به رهبري مرجع عاليقدر تقليد آيت الله العظمي امام خميني، در همه پرسی دهم و يازدهم فروردين ماه يکهزار و سيصد و پنجاه و هشت هجري شمسي برابر با اول و دوم جمادى الاولي سال يکهزار و سيصد و نود و نه هجري قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کليه کساني که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

### اصل دوم

جمهوري اسلامي، نظامي است بر پايه ايمان به:

- ۱- خدای يکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکميت و تشريع به او و لزوم تسليم در برابر امر او.
- ۲- وحی الهی و نقش بنيادی آن در بيان قوانين.
- ۳- معاد و نقش سازنده آن در سير تکاملی انسان به سوی خدا.
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشريع.
- ۵- امامت و رهبري مستمر و نقش اساسي آن در تداوم انقلاب اسلام.
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤوليت او در برابر خدا، که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرايط براساس کتاب و سنت معصومين سلام الله عليهم اجمعين،

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پيشرفته بشري و تلاش در پيشبرد آنها،

ج - نفی هرگونه ستمگري و ستمکشي و سلطه گري و سلطه پذيري،

قسط و عدل و استقلال سياسي و اقتصادي و اجتماعي و فرهنگي و همبستگي ملي را تأمين مي کند.



**اصل پنجم\*<sup>(۱)</sup>**

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

**اصل هفتم**

طبق دستور قرآن کریم: «وامرهم شوری بینهم<sup>(۲)</sup>» و «شاورهم فی الامر<sup>(۳)</sup>» شوراهای، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراهای را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

**اصل بیست و پنجم**

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

**اصل سی و دوم**

هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۱. اصولی که در مقابل آنها علامت \* قرار دارد، در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

۲. کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است.

[سوره شوری، آیه ۳۸]

۳. در کار با آنان مشورت کن.

[سوره آل عمران، آیه ۱۵۹]

**اصل سی و سوم**

هیچکس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

**اصل سی و چهارم**

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

**اصل سی و پنجم**

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

**اصل سی و ششم**

حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

**اصل سی و هفتم**

اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

**اصل سی و هشتم**

هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

**اصل سی و نهم**

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

**اصل چهارم**

هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

**اصل چهل و نهم**

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

**اصل شصت و یکم**

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

**اصل نودم**

هرکسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

**اصل یکصد و چهارم\***

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

**اصل یکصد و چهل و دوم\***

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

**اصل یکصد و پنجاه و ششم**

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤل تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند.

۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای شرع

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

**اصل یکصد و پنجاه و هفتم\***

به منظور انجام مسؤولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

**اصل یکصد و پنجاه و هشتم\***

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱ - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت های اصل یکصد و پنجاه و ششم.

۲ - تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ - استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

#### اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

#### اصل یکصد و شصتم\*

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرائی پیش بینی می‌شود.

#### اصل یکصد و شصت و یکم\*

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

#### اصل یکصد و شصت و دوم\*

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

#### اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

**اصل یکصد و شصت و چهارم\***

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

**اصل یکصد و شصت و پنجم**

محاکمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن‌که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

**اصل یکصد و شصت و ششم**

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

**اصل یکصد و شصت و هفتم**

قاضی موظف است کوشش کند. حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

**اصل یکصد و شصت و هشتم**

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.

**اصل یکصد و شصت و نهم**

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی شود.

**اصل یکصد و هفتادم**

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

**اصل یکصد و هفتاد و یکم**

هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد.

**اصل یکصد و هفتاد و دوم**

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود.

دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

**اصل یکصد و هفتاد و سوم\***

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می گردد.

حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می کند.

**اصل یکصد و هفتاد و چهارم\***

براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد.

حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

**اصولی از قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸**

که در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

**اصل پنجم**

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

**اصل پنجاه و هفتم**

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می‌گردد.

**اصل یکصد و پنجاه و هفتم**

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورائی به نام شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و

ششم.

۲- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.



**اصل یکصد و پنجاه و هشتم**

شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می شود:

۱- رئیس دیوان عالی کشور.

۲- دادستان کل کشور.

۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.

اعضای این شورا به مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می شوند و انتخاب مجددشان

بلامانع است.

شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده را قانون معین می کند.

**اصل یکصد و شصتیم**

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه

مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست وزیر پیشنهاد

می کند انتخاب می گردد.

**اصل یکصد و شصت و یکم**

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت

رویه قضائی و انجام مسئولیتهایی که طبق قانون به آن محول می شود براساس ضوابطی که

شورای عالی قضائی تعیین می کند تشکیل می گردد.

**اصل یکصد و شصت و دوم**

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و

رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت

منصوب می کند.

**اصل یکصد و شصت و چهارم**

قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که

موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا

سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضائی

به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

#### اصل یکصد و هفتاد و سوم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضائی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

#### اصل یکصد و هفتاد و چهارم

بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۱۵۰ تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۱

هیچیک از مقامات دولتی نمی‌توانند افراد ملت ایران را از حقوقی که قانون اساسی به آنها داده است محروم کنند.

#### مستخرج از قانون مدنی

**ماده ۹۵۸:** هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچکس نمی‌تواند حقوق خود را اجراء کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

**ماده ۹۵۹:** هیچکس نمی‌تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجراء تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

**ماده ۹۶۰:** هیچکس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر کند.

## فصل اول - بخش دوم

### نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم»

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۰۶ مورخ ۷۰/۱۲/۲۶

منظور از کلمه وکیل در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیلی است که واجد شرایط مذکور در ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین باشد و اصولاً این کلمه در عرف قضایی و حقوقی منصرف به وکلای مجاز یا به تعبیری دیگر وکلای دادگستری است و عدم قید دادگستری تأثیری در این امر ندارد کما اینکه در مواد ۳۱۳ و ۳۱۴ و تبصره آن، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۰ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۳ و ۲۵ مقررات تشکیل محاکم جنایی و مواد قانون آیین دادرسی مدنی نیز همه جا کلمه وکیل به صورت مطلق و بدون قید دادگستری ذکر شده است. مصوبه مجمع برای حفظ حرمت وکلاء در دادگستری و لزوم نقض آرای است که با سلب حق تعیین وکیل از اشخاص و یا عدم اجازه دخالت وکلاء آنان صادر شده است و همچنین تجویز دخالت وکیل با شرایط خاص در دادگاه ویژه روحانیت است نه برای تعمیم اجازه وکالت دادگستری به هر فرد بی اطلاع، نالایق و فاسدالعقیده ... و مذاکرات مجلس که اظهارات بعضی از وکلاء است فقط در حد اظهارنظر اظهارکننده یا عقیده شخصی که آن را عنوان کرده است می باشد. اما عنوان تفسیر قانون و یا تبیین آن را ندارد و قانوناً قابل استناد نیست. بنابراین با تصویب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مقررات و شرایط وکالت در دعاوی نسخ نشده و مقررات و شرایط مربوط به وکالت در دعاوی به قوت خود باقی است.

رای وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱  
هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید... و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حق متداعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...» همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و دادنامه شماره ۱۲۲۰ - ۱۳۸۵/۸/۲۷ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۷۹۲ به تاریخ ۱۳۷۶/۶/۲۵

پذیرش وکیل غیروکیل دادگستری در دادگاه‌های تعزیرات فاقد اشکال قانونی است

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۴۲ به تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۳

اقدامات وکیل پس از فوت موکل نافذ نیست و فصولی شناخته می‌شود.  
(ر.ک): ماده ۶۷۸ قانون مدنی

## نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲

مطابق ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی صدور اجرائیه موکول است به تقاضای محکوم له یا نماینده و قائم مقام قانونی وی و نماینده شخصی است که مطابق درخواست محکوم له و به نیابت از وی می تواند صدور اجرائیه را درخواست نماید. بنابراین نماینده مذکور در ماده ۲ قانون مرقوم می تواند غیروکیل دادگستری باشد.

## نظریه شماره ۷/۹۹۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۹

۱- چنانچه وکالتنامه ای مستند به وکالتنامه بلاعزل با حق توکیل به غیر باشد، موجبی برای فسخ و ابطال آن جز صدور حکم قضایی وجود ندارد.  
۲- چنانچه عزل وکیل مقید به زمان شود و این قید زمان ضمن عقد خارج لازم صورت گرفته و در وکالتنامه قید گردد، قبل از موعد عزل وکیل معتبر نیست.

## نظریه شماره ۷/۵۷۲۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۱

وجود حق توکیل در وکالتنامه و انتقال کلیه اختیارات مندرج در وکالتنامه به شخص ثالث هر چند جمله، ولو کراراً ذکر نشده باشد سلب اختیار حق توکیل از شخص ثالث نمی کند.

(ر.ک. ماده ۶۷۳ قانون مدنی)

اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مُسبب محسوب می شود مسئول خواهد بود.

نکته (۱): وکالت در دیوان عدالت اداری مستلزم داشتن وکالت پایه یک دادگستری می باشد.

نکته (۲): اگر وکیل قبل از گفتن ایجاب و پیش از قبول طرف دیگر فوت شود قبول پیشنهاد او هیچ اثری ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۶۹ به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۴

با توجه به اینکه وکالت در دادگستری مستلزم داشتن پروانه وکالت است و غیر از وکلای دادگستری نمی‌توانند در مراجع قضایی وکالت کنند در صورتی که غیروکیل دادگستری دارای حق توکیل به غیر باشد، تفویض وکالت برای دادرسی بلامانع است و دادگاهها مکلف به پذیرش هستند.

نظریه شماره ۷/۵۰۸۰ به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۴

باید بین امور مدنی و کیفری و مراحل مختلف رسیدگی کیفری فرق گذاشت به این طریق که در امور مدنی و همچنین در امور کیفری پس از پایان تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت، وکیل اصحاب دعوا می‌تواند به پرونده مراجعه و آن را مطالعه و خود را آماده برای دفاع نماید و مدیر دفتر باید پرونده را در اختیار او بگذارد و نیازی به کسب اجازه از دادگاه ندارد. اما در مرحله تحقیقات با توجه به ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و تبع آن کسب اجازه از دادگاه لازم است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۶۴۴۴ به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۸

برابر بند ۳ ماده ۶۷۸ قانون مدنی عقد وکالت به موت یا جنون وکیل یا موکل مرتفع می‌شود و از این جهت فرقی بین وکالت مطلق و بلاعزل نیست. بنابراین اگر عقد وکالت در ضمن عقد لازمی مانند عقد نکاح به صورت شرط درآید بقاء آن تا وقتی است که ماهیت وکالت بعلت جنون یا فوت احدی از طرفین عقد منتفی نشده باشد و با انتفاء آن موردی برای استفاده باقی نمی‌ماند.

## نظریه شماره ۷/۹۱۰ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۳

وکالت در دادگستری مختص وکلای دادگستری می‌باشد که دارای پروانه وکالت از کانون وکلای می‌باشند و وکالت تفویضی در محاضر اسناد رسمی به غیر وکیل دادگستری از جهت وکالت در دعاوی مطروحه در دادگستری فاقد ارزش می‌باشد مگر در مواردی که قانوناً نیاز به دخالت وکیل دادگستری نباشد و هر وکیلی حق مداخله داشته باشد از قبیل امور حسبی

## نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۰

الزام خواننده به تنظیم وکالتنامه رسمی، دعوی غیرمالی است  
(رجوع کنید به ماده ۵۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹)  
تذکر:  
موکل در هر حال می‌تواند مورد وکالتی را که به دیگری وکالت داده است شخصاً نیز انجام دهد.

## فصل اول - بخش سوم

### دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

ماده (۱) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

**نکته:** نگارش ما نسبت به قانون نباید نگارش تعبدی باشد، قانونمندی و اطاعت از آن الزامی است لکن تلاش برای اصلاح آن یک واجب است.



### دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

در تشخیص خواسته مالی و غیر مالی هیچ ملاک و ضابطه‌ای از طرف مقنن تعریف نشده و مصادیق آن نیز بصورت حصری بیان نگردیده به همین جهت در تشخیص دعوی مالی از دعوی غیر مالی اختلافات بسیاری وجود داشته و دارد.

در تشخیص دعوی مالی و غیر مالی اگر خواسته ذاتاً و مستقیماً، قابلیت ارزیابی و تقویم داشته باشد آن را در اصطلاح خواسته مالی گویند همانند مطالبه طلب، وجه چک، سفته، برات، حواله و امثالهم. اگر خواسته دعوی ذاتاً مالی نبوده و قابلیت تقویم به پول رایج را نداشته باشد آن را در اصطلاح خواسته غیر مالی گویند.

توجه می‌دهد: اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و مالی بودن دعوی نیازمند به دلیل و نص است فلذا اگر شک و تردید نمودیم عدم جاری<sup>(۱)</sup> و دعوی را غیر مالی محسوب می‌نمایم.

چرا که مالی دانستن دعاوی نوعی رنج و مشقت و سختی، برای مردم محسوب می‌گردد در برخی کشورهای پیشرفته و ممالک مَترقی و توسعه یافته عمدتاً اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و دعاوی مالی نیز احصاء شده‌اند.

#### مصادیق دعاوی مالی:

خواسته مالی که تعیین بهای آن در هنگام تقدیم دادخواست مقدور است و نتیجه آن برای خواهان دارای آثار مالی است فلذا خواهان مکلف است خواسته خود را تقویم نماید و در غیر این صورت به موجب ضمانت اجرای ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر بر بند (۳) از بُنود حصری ماده ۵۱ قانون آ.د.م.، ۱۳۷۹ قرار رد دادخواست خواهان از طرف مدیر دفتر دادگاه صادر خواهد شد.

۱. اصل «عدم» را در جلد دوم (جزایی) از مجموعه ۵ جلدی راهنمای جامع نگارش تألیف نگارنده بخوانید.

## ۱- دعاوی مالی:

۱- دعوی مطالبه طلب (وجه نقد) ۲- مطالبه ثمن معامله ۳- مطالبه وجه التزام ۴- مطالبه وجه چک ۵- مطالبه وجه سفته ۶- مطالبه وجه برات ۷- مطالبه اجور معوقه ۸- مطالبه کلیه اشیایی که دارای بهای معینی است ۹- مطالبه خسارات ناشی از ضمان قهری ۱۰- مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم ۱۱- مطالبه دیه علیه وراث قاتل ۱۲- مطالبه خسارت تأخیر در تأدیه ۱۳- مطالبه خسارات ناشی از نشت چاه و ترکیدن لوله آب و فاضلاب ۱۴- مطالبه نفقه معوقه ۱۵- مطالبه مهر ۱۶- مطالبه سهم الارث علیه احد از وراث یا شخص ثالثی که مال مشخصی از ترکه نزد اوست ۱۷- دعاوی مربوط به حق تالیف، تصنیف، حق اختراع ۱۸- دعاوی مربوط به علائم صنعتی و تجاری ۱۹- کلیه موارد مذکور در ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی مدنی، قرض، ثمن، مال الاجاره، دیه جنایات، نفقه یومیه، ضمان به تلف یا اتلاف همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است از قبیل بیع (اموال منقول، غیرمنقول)، صلح، اجاره، هبه، وصیت به نفع مدعی، جنایت خطائی و شبه عمد موجب دیه.

۲- خواسته مالی که تعیین (دقیق) آن هنگام تقدیم دادخواست ممکن نیست و می توان بنحو علی الحساب تقویم و جلب نظر کارشناسان رسمی را طلب نمود:

۱- مطالبه ارث ۲- مطالبه اجرت المثل ۳- مطالبه غرامات ناشی از مستحقّ للغیر درآمدن مبیع و...

## ۳- خواسته مالی که ظهور در غیر مالی بودن دارد:

- ۱- الزام به تنظیم سند رسمی انتقال زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / ...
- ۲- درخواست تعدیل و افزایش اجاره بها (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۹۸۴}{۱۳۶۱/۳/۲}$ )
- ۳- خلع ید (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۲۰۲۱}{۱۳۶۲/۵/۸}$ )
- ۴- دعوی اعتراض به تعیین حد و مرز (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۵۱۱۴}{۱۳۶۰/۱۱/۲۴}$ )
- ۵- دعوی اعتراض به ثبت ملک
- ۶- الزام به تنظیم سند خودرو
- ۷- دعوی افراز، تقسیم و فروش اموال مشاع در صورت اختلاف در مالکیت
- ۸- استرداد لاشه چک / سفته / برات

(نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۷۸۷۱}{۱۳۷۷/۶/۲۹}$  و رأی اصراری<sup>(۱)</sup>  $\frac{۳۵۴۷}{۱۳۴۱/۱۱/۳}$ )  
 ۹- دعوی تقسیم ترکه در صورت اختلاف در مالکیت مورث حین الفوت  
 (نظریه مشورتی اداره حقوقی  $\frac{۷/۴۷۴۹}{۱۳۶۲/۱۰/۱۱}$ )

#### مصادیق دعاوی غیر مالی:

##### ۱- دعاوی غیر مالی راجع به خانواده:

- الف) صدور حکم طلاق
- ب) صدور گواهی عدم امکان سازش
- ج) تمکین
- د) اثبات زوجیت و انکار آن
- و) حضانت
- ی) درخواست ازدواج مجدد
- ن) الزام به تنظیم سند رسمی ازدواج در احد از دفاتر اسناد رسمی
- ه) الزام به ثبت طلاق
- م) الزام به ثبت واقعه رجوع از طلاق در ایام عدّه
- ک) درخواست ازدواج موضوع ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی

##### ۲- دعاوی غیر مالی مربوط به روابط موجر و مستأجر

- الف) الزام به تنظیم سند رسمی اجاره
- ب) تجویز انتقال منافع مورد اجاره
- ج) دعوی مربوط به تخلیه / تجاری - مسکونی / کسب و پیشه
- د) الزام به تعمیرات اساسی عین مستأجره
- و) دعوی فسخ قرارداد اجاره
- ی) دعوی عسر و حرج نسبت به اجاره اماکن مسکونی
- ن) دعوی بطلان اجاره
- ه) دعوی الزام به انجام شروط مربوط به اوصاف مورد اجاره از قبیل وصل تلفن / آب / برق / گاز و...

۱. رأی اصراری موضوع ماده ۴۰۸ ق.آ.د.م. ۱۳۷۹ - آنچنان رأیی است که قابلیت فرجام داشته باشد.

## ۳- دعاوی غیر مالی مربوط به امور حسبی

- الف) درخواست صدور حکم موت فرضی  
 ب) درخواست صدور حکم مهر و موم ترکه  
 ج) درخواست تحریر ترکه  
 د) نصب قیم  
 و) عزل قیم  
 ی) نصب امین / تعیین امین اموال غایب مفقودالاث  
 ن) ضم امین  
 ه) درخواست صدور گواهی رشد  
 ک) اخراج ثلث  
 گ) الزام به تقسیم و فروش ترکه  
 ق) عزل ولی قهری  
 س) درخواست صدور حکم سرپرستی فرزند خوانده  
 ش) گواهی انحصار ورثه  
 م) تنفیذ وصیت نامه عادی

## ۴- دعاوی غیر مالی مربوط به ثبت احوال

- الف) تغییر نام کوچک  
 ب) تغییر نام خانوادگی  
 ج) ابطال شناسنامه  
 د) اصلاح شناسنامه  
 و) ابطال واقعه فوت  
 ی) اصلاح تاریخ فوت در گواهی فوت  
 ن) تغییر جنسیت  
 ه) دعوی ابوت و بنوت  
 ک) دعوی اثبات رشد و بلوغ  
 گ) دعوی اثبات سیادت  
 ق) دعوی اثبات نسب و نفی آن و...

## ۵- سایر دعاوی غیر مالی:

- ۱- دعوی تأمین دلیل
- ۲- تأمین خواسته
- ۳- دستور موقت
- ۴- دعوی اعسار مطلق و اعسار به تقسیط «محکوم به» / تعدیل و تقلیل اقساط «محکوم به»
- ۵- دعوی تشخیص صحت تاریخ معامله (۱)
- ۶- دعوی جعل و تزویر در اسناد
- ۷- دعوی تصرف عدوانی
- ۸- دعوی رفع مزاحمت ملکی
- ۹- دعوی ممانعت از حق
- ۱۰- دعاوی مربوط به حقوق ارتفاقی
- ۱۱- دعوی افراز، تقسیم و فروش اموال مشاع در صورت عدم اختلاف در مالکیت
- ۱۲- تأیید قولنامه (رای وحدت رویه ۵۹/۶۹ / ۱۳۷۰/۱/۱)
- ۱۳- دعوی افراز چاه آب (نظریه مشورتی اداره حقوقی ۷/۴۲۰ / ۱۳۶۱/۱/۲۴)
- ۱۴- اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۵۶ قانون جنگل ها و مراتع (نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری ۷/۸۱۶۱ / ۱۳۷۳/۱۲/۱۶)
- ۱۵- ابطال رأی مدیریت اراضی استان هیأت ۷ نفره واگذاری و احیاء مصوب ۱۳۶۵
- ۱۶- اعتراض به رأی کمیسیون مصوب ۱۳۶۰
- ۱۷- اعتراض به تصمیمات قابل اعتراض و اجرای ثبتی در مورد افراز
- ۱۸- بطلان تقسیم مال مشاع
- ۱۹- درخواست صلح و سازش
- ۲۰- درخواست استرداد اسناد و مدارک و اشیایی که بهاء معینی ندارد
- ۲۱- دعوی اعاده اعتبار ورشکسته (ماده ۵۶۱ قانون تجارت)
- ۲۲- دعوی تولیت
- ۲۳- دعوی صدور حکم ورشکستگی
- ۲۴- ابطال عملیات اجرائی
- ۲۵- ابطال پروانه چاه

دعوی تشخیص صحت تاریخ معامله زمین که قبل از تاریخ لغو مالکیت اراضی موات شهری باشد.

از دعاوی غیر مالی محسوب و رأی شعبه ۱۹ دیوانعالی کشور که این دعوی را غیر مالی دانسته صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

کلیه احکام صادره در دعاوی غیر مالی قابل درخواست تجدیدنظر می‌باشد  
(ماده ۳۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی)

**ایضاحاً:** اگر خواسته دعوایی قابلیت تقویم به پول رایج مملکتی را داشته باشد و نتیجه با محکومیت خواننده، خواهان به مالی برسد که دارای ارزش مالی باشد آن **دعوی مالی** ولی در دعوی غیر مالی قابلیت تقویم به پول رایج مملکتی وجود نداشته و به هر صورت دعوی قابل تقویم به پول نمی‌باشد همانند نصب قیم - اصلاح شناسنامه که با صدور حکم مستقیماً هیچ مالی عاید محکوم‌له نخواهد شد و به تعبیر دیگر ملاک و معیار عمل در تشخیص مالی یا غیر مالی بودن دعاوی نتیجه حاصله از دعوی مطروحه خواهد بود.

**بطور مثال:** دعوی الزام به تنظیم سند رسمی انتقال، چون نتیجه آن تحقق مالکیت است این **دعوی مالی** محسوب می‌گردد، لکن دعوی الزام به استرداد لاشه سند مالکیت و یا ابطال لاشه سند مالکیت و ... **غیر مالی** است.

**بناء علیهذا:** در دعاوی مالی که موضوع آن مال غیرمنقول است با توجه به بند (۱۲) از بُنود حصری ماده ۳ قانون وصول، هزینه دادرسی وفق دفترچه محاسباتی املاک محاسبه و پرداخت می‌شود و مبلغ مندرج در قرارداد ما بین متعاملین اثری در تعیین هزینه دادرسی نخواهد داشت.

**توجه می‌دهد:** اگر خواهان چند فقره دعوی مالی را بصورت «یکجا» تقویم نموده و در مرحله بدوی هیچ تعرضی به آن از طرف خواننده صورت نگرفته باشد، مبلغ تقویم شده ملاک عمل در دادگاه تجدیدنظر خواهد بود. (ماده ۳۳۱ ق.آ.د.م ۱۳۷۹) در مواقعی که دادگاه بدوی دعوی خواهان را **غیر مالی** تشخیص دهد ولی دادگاه تجدیدنظر استان دعوی مذکور را مالی تشخیص نماید و پرونده را بعلت عدم تأدیه کامل هزینه دادرسی به دادگاه نخستین اعاده می‌نماید و دفتر دادگاه بدوی مکلف است در اجرای ماده ۵۰۳ ق.آ.د.م.

۱۳۷۹، به تجدیدنظرخواه اخطار نماید که نسبت به رفع نقص (پرداخت هزینه دادرسی دعاوی مالی) اقدام نماید و در صورتی که تجدیدنظر خواه در مهلت مقرر نسبت به پرداخت هزینه دادرسی که میزان و مبلغ آن باید توسط مدیر دفتر دادگاه بدوی در برگ اخطاریه بوضوح معلوم باشد اقدام ننموده و در واقع نسبت به تکمیل و رفع نقص از دادخواست مرحله تجدیدنظر، اقدامی بعمل نیاورد به تجویز حاصل از تبصره (۲) از تبصره حصری ماده ۳۳۹ قانون سابق الذکر، و با رعایت مواد ۵۰۳ و ۳۵۶ و ۳۴۵ همان قانون، قرار رد دادخواست تجدیدنظر صادر می‌گردد.

توجه داشته باشید علی‌القاعده نقض حکم بدوی در مرحله تجدیدنظر بدلیل عدم پرداخت هزینه دادرسی مرحله بدوی فاقد وجاهت و موقعیت قانونی است.  
جهت مزید استفاده اضافه می‌گردد:

دعوی مدنی غیرمالی عبارت است از دعوی که خواسته آن قابل ارزیابی به وجه رایج مملکتی نباشد همانند دعوی تصرف عدوانی - رفع مزاحمت - رفع ممانعت از حق - تولیت - نسب - وصایت و .... فلذا هزینه دادرسی در دعاوی همانند خلع ید از اموال غیرمنقول همانند دعوی مالی غیرمنقول بوده و اختلاف در مالکیت هیچ اثری در هزینه دادرسی ندارد<sup>(۱)</sup> چون رسیدگی به هر دعوائی ملازمه با پرداخت هزینه دادرسی دارد، لذا در صورتیکه خسارات ناشی از تأخیر در امر تأدیه توسط خواهان مطالبه و میزان آن معلوم باشد مطابق بند (۱۲) قسمت (الف) ماده (۳) قانون وصول ... در حین تقدیم دادخواست علی‌الاصول هزینه دادرسی هم باید پرداخت گردد.

موفق باشید

### از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین

مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸

اجرا از اول سال ۱۳۷۴ در مورد هزینه‌های دادرسی

ماده ۳- قوه قضائیه موظف است کلیه درآمدهای خدمات قضائی از جمله خدمات مشروحه

زیر را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید:

۱- در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات از نود و یک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی می‌باشد از این پس بجای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال صادر می‌شود.

۲- هرگاه حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰۰۰۱) ریال تا سه میلیون (۳۰۰۰۰۰۰) ریال بدهد.

۳- در صورتی که مجازات حبس با جزای نقدی توأم باشد و به جای حبس و مجازات تعزیری جزای نقدی مورد حکم واقع شود هر دو مجازات نقدی جمع خواهد شد.

۴- تقدیم دادخواست و درخواست تعقیب کیفری به مراجع قضائی علاوه بر حقوق مقرر مستلزم الصاق و ابطال تمبر به مبلغ یکهزار ریال می‌باشد.

۵- تقدیم شکایت به دادرسی انتظامی قضات مستلزم الصاق و ابطال تمبر به مبلغ یکهزار ریال خواهد بود.

۶- بهای اوراق دادخواست و اظهارنامه و برگ اجرائیه احکام دادگاه‌ها و هیأت‌های حل اختلاف موضوع قانون کار که طبق نمونه از طرف دادگستری تهیه می‌شود هر برگ ۱۰۰ ریال تعیین می‌گردد.

۷- درآمد صندوق «الف» اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال

۹/۰ درصد و نسبت به مازاد آن تا ۲۰ میلیون ریال ۸/۰ درصد و مازاد آن ۷/۰ درصد

دریافت می‌شود.

۸- درآمد صندوق «ب» اداره کل تصفیه و امور ورشکستگی تثبیت می‌گردد.